

## « دوازدهمین شرح از دعای ابوحمزه ثمالی »



گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است...

تا انسان از تبهکاری‌ها توبه نکند، شرائط قُرب خدا را پیدا نمی‌کند. وقتی به خدا نزدیک نشد، صدای او هم به سمع فرشتگان نمی‌رسد. آنها افرادی که دوراند، مورد عنایت خود قرار نمی‌دهند. لذا امام سجاد سلام الله علیه در دعای ابوحمزه ثمالی عرض می‌کند:

**"اللَّهُمَّ تُبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ وَ أَلْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَ خَشِيَّتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ."**

اگر لطف الهی شامل حال انسان بشود و اگر خدا خیر را معرفتاً و عملاً به انسان الهام بکند و خَشِيَّتِ الهی نصیب انسان بشود در شبانه روز، دیگر از بیگانه‌ای نمی‌هراسد و دست به تباہی دراز نمی‌کند.

و در صحیفه سجادیه آمده است که: ای کسی را لا تَنْقَطِعْ عَنْهُ حَوَائِجِ الْمُحْتَاجِينَ. (2) در تمام لحظات، تمام اشیاء به خدا محتاج اند. هیچ لحظه‌ای نیازِ نیازمند قطع نمی‌شود. از طرفی هم یا مَنْ لَا تُفْنِي خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ. (3) پروردگارا! ای کسی که هر چه سؤال بکنند و تو ببخشی، این مسئلت‌های سائلان و نیازمندان خزینه‌ها را تهی نمی‌کند. خوب؛ پس از این سوی دائماً سؤال، از آن سوی دائماً پاسخ مثبت! نه سؤال از این طرف قطع می‌شود، نه پاسخ از آن طرف قطع می‌شود، نه خزینه تهی می‌شود.

محصول این حرف‌ها را آیه نورانی سوره الرَّحْمَنِ در بردارد که: يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (4)، كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ. چون هر لحظه سؤال است، هر لحظه او پاسخ مثبت می‌دهد. پروردگارا! هیچ کسی از تو بی‌نیاز نیست. پس این توبه و انابه‌ای که فیض و فوز توست نصیب ما بفرما! تا ما در تمام شبانه روز در کنار سفره نعمت تو باشیم، چنین که هستیم. بیگانه‌ای را نبینیم، چنین که نباید ببینیم.

در حالی که ما در تمام عبادت‌ها؛ چه نماز، چه غیر نماز آن حضور قلب را نداریم. این دعای نورانی ابوحمزه ثمالی این مسئله را هم به صورت باز و عقلی تحلیل می‌کند. همه ما به این مشکل روبرو هستیم. شاید اُحدی از انسان‌ها مستثنی باشند که در نماز حضور قلب نداریم. وقتی وارد نماز شدیم، در طلیعه نماز ممکن است با حضور و نیت وارد بشویم، ولی باز حواس‌مان جمع نیست، پراکنده است. این نماز که ستون دین است، پراکنده انجام می‌شود. آن وقت دینی که ستونش پراکنده باشد، محصولش هم پراکنده خواهد بود. اگر چنانچه ستون پراکنده باشد، مستقیم و استوار نباشد، آن خیمه هم مستقیم و استوار نیست.

ما چه کنیم که در نماز مشکل غفلت نداشته باشیم، یک تمرکزی داشته باشیم؛ وجود مبارک امام سجاد طبق این تحلیل می‌فرماید که انسان بیرون نماز را باید مواظب باشد، نه درون نماز. درون نماز یک چهار پنج دقیقه بیش نیست. اگر کسی درون نماز بخواهد در تمام این چهار پنج دقیقه خودش را کنترل بکند، شاید خیلی سخت نباشد، ولی عمده بیرون نماز است. به بیرون نماز اگر حالاتی، احوالی، گفته‌هایی،

رفته‌هایی، نوشته‌هایی و مانند آن داشت و انجام داد، همه این خاطرات می‌ریزد در صحنه نفس انسان . آنگاه همه اینها در حالت نماز ظهور پیدا می‌کند.

مثلاً اگر کسی کتابخانه‌ای داشته باشد و در کتابخانه به کوی و برزن باز باشد، بچه‌ها و خردسالان گذر از این در باز استفاده کنند، وارد کتابخانه بشوند. شخصی محقق بیاید و در کتابخانه را ببندد و بخواهد مطالعه کند، بگوید: من يك ساعتی که در این کتابخانه نشسته‌ام، باید آرام باشم ، این کار را صحیح انجام نداده است. برای این که در غیر وقت مطالعه در را باز گذاشت، همه بچه‌ها ریختند در کتابخانه، در سالن مطالعه. آنگاه در آن يك ساعتی که محقق می‌آید و می‌نشیند، می‌خواهد مطالعه کند، این سالن کتابخانه پر از بچه‌ها و سر و صدا است. قبل از این که این محقق بیاید در کنار میز مطالعه‌اش بنشیند، باید در را ببندد که بیگانه‌ها و بچه‌های خردسال نیابند.

این مجاری ادراکی و تحریکی ما نباید به روی بیگانگان باز باشد که آنها هر چه خواستند از راه درک و حرکت ما وارد نفس و ذهن و قلب ما بکنند، آنگاه ما در حال نماز بخواهیم مطمئن باشیم و حضور قلب داشته باشیم . این چنین نیست! عمده بیرون نماز است. غذا خوردن‌ها، رفتن‌ها، نگاه کردن‌ها، گفتن‌ها، شنیدن‌ها، پوشیدنی‌ها، همه و همه اینها ادخلی مُدخَل صدق و اخرجی مُخرَج صدق (5)، در آغاز و انجامش تك تك این گفتار و رفتار و نوشتار و مانند آن حضور و ظهور داشت.

انسان خاطرات خوبی دارد. در نماز نه تنها مزاحمی ندارد، بلکه معین و معاونی هم خواهد داشت. ولی اگر در خارج نماز مواظب خود نبود، هر خاطره‌ای را به ذهن راه داد، هر غذایی را خورد، هر حرفی را زد، هر جایی را نگاه کرد، هر کسی را نگاه کرد، هر چیزی را هم دید، چنین آنبانی هرگز به انسان اجازه حضور و ظهور قلب نمی‌دهد. ملاحظه فرمودید که امام سجاد چگونه این مسئله عمیق را تحلیل می‌کند؛ عرض می‌کند:

"الهی! اِنِّیْ کُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ وَ قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَاجَيْتُكَ اَلْقَيْتُ عَلَيَّ نِعَاسًا."

خدایا! چه طور شد که هر وقت می‌خواستم مناجات کنم ، دعا کنم، دعای کمیل بخوانم، مناجات شعبانیه داشته باشم ، ذکر داشته باشم، نمازی داشته باشم، زیارت عاشورائی داشته باشم، حواسم جمع نیست؟! یا خوابم می‌آید، یا اگر خوابم نمی‌آید، حالت پیلگی و چُرت است، یا اگر اینها نیست، شادابم ، وقتم و نیرویم درباره خاطرات تلخ دیگر صرف می‌شود. آن لذت مناجات را از من می‌گیری، یا مناجات نمی‌کنم، یا مناجات بی‌محتوا دارم. چه طور شد خدایا، هر وقتی ما گفتیم سریره من صالح است و به محفل توابین نزدیکم، يك ابتهالی، يك بلیه‌ای، يك آفت و آسیب و گزند می‌رسد که پای مرا می‌لغزاند و نمی‌گذارد که من به محفل نورانی آنها راه پیدا کنم.

پروردگارا ! شاید تو مرا از در خانه‌ات راندی؛ شاید دیدی که من حق تو را سبک شمردم، تو مرا مطرود کردی؛ یا دیدی که من چون از تو اعراض کردم، با من عداوت داری؛ یا چون دیدی که من در مقام دروغ‌گویان هستم، مرا مورد بی‌مهری قرار دادی و ترك کردی؛ یا دیدی که نعمت‌های تو را شکر نمی‌کنم، مرا محروم کردی؛ یا دیدی که در مجالس علماء و اندیشوران حاضر نیستم، مرا طرد کردی؛ یعنی به جای این که در محافل علماء شرکت کنم ، چیزی یاد بگیرم، در مجالس دیگران شرکت می‌کنم . یا دیدی در بین غافلین به سر بردم ، از رحمت خاصه من ناامید کردی؛ یا دیدی با مجلس‌های طنزگویان و بذله‌گویان و بَطَّالین که عمری را به بطلت می‌گذارند، آنجا صرف کردم، مرا مورد بی‌مهری قرار دادی؛ ببینی وَ بِنَبِّكَ خَلَيْتَنِي؛ یا نه، اصلاً دوست نداری صدای مرا بشنوی؛ برای این که این حرف، این حنجره در غیر راه تو صرف شده است. دوست نداری چهره‌ام را در مجلس توابین ببینی، برای این که در مجلس بَطَّالین دیدی. دوست نداری که مرا در مجلس پرهیزکاران ببینی، چون دیدی که من در مجلس علماء حضور ندارم، مرا دور کردی . شاید به جرم و جریرت مرا مکافات کردی، یا در اثر کم حیائی مرا مجازات کردی؛ ببینید تمام این علل و عوامل؛ ترك واجب، فعل حرام، فکر فعل مکروه و مانند آن باعث می‌شود که انسان یا توفیق مناجات و نماز ندارد، یا اگر توفیقی پیدا کرد و يك مناجات و نمازی داشته باشد، نماز بی‌حال و بدون حضور انجام می‌دهد.

امیدواریم توفیق حضور نصیب همه ما بشود.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- سوره غافر/ آیه 60
- 2- صحیفه سجادیّه/ دعای دوازدهم - وَ كَانَ دُعَاؤُهُ (ع) فِي طَلْبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
- 3- صحیفه سجادیّه/ دعای دوازدهم - وَ كَانَ دُعَاؤُهُ (ع) فِي طَلْبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
- 4- سوره الرَّحْمَن/ آیه 29
- 5- سوره اسراء/ آیه 80

برگرفته از سخنان آیت الله جوادی آملی